

بازسازی بیع و اصلاح اداره حج ابراهیمی

در اندیشه شیخ محمد بن ابراهیم الاحمدی الطواهری^۱

کامیار صداقت ثمرحسینی^۲

چکیده

مخالفت با تخریب بنای مزارهای قبرستان بیع و برخی دیگر از اماکن مقدس در حجاز و مطالبه بازسازی آنها مسئله‌ای اسلامی است که به هیچ یک از مذاهب اسلامی منحصر نمی‌شود. از همان ابتدا هم از سوی اهل سنت و هم از سوی شیعه مطرح شده است؛ به نحوی که می‌توان نیمه دوم دهه ۱۹۲۰ میلادی را در دوران تاریخ وحدت اسلامی به نام بیع ممتاز کرد. این موضوع از خلال اسناد و گزارش‌های موجود در دهه ۱۳۴۰ قمری (۱۹۲۰ م) قابل تبیین است که نمونه آن تأکید هیئت‌های هند (جمعیت خلافت) و مصر بر ضرورت آزادی مذهبی حاجیان در مناسک حج و بازسازی قبور بزرگان اسلام، نظیر قبرستان بیع، زیر نظر هیئتی از علمای فریقین (شیعه و اهل سنت) است که آن را در جلسه پایانی کنگره حج سال ۱۳۴۴ قمری مطرح کردند. شیخ محمد الطواهری (مفتی مصر و شیخ الازهر) یکی از مدافعان

۱. شیخ محمد الاحمدی بن ابراهیم الطواهری (متوفی ۱۳۶۳ق) از شاگردان شیخ محمد عبده و از شیوخ برجسته الأزهر، که در سفر به حجاز، به نظرات و اندیشه‌های شجاعانه‌اش در مورد بازسازی بیع زیر نظر هیئتی از علمای سنی و شیعه و نحوه اداره حج ابراهیمی می‌پردازد که در جلسه پایانی کنگره حج سال (۱۳۴۵ق / ۱۹۲۶م) در مکه مکرمه بیان شد.

sedaghat@ihcs.ac.ir

۲ دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این طرح بود که مقاله حاضر به تحلیل دیدگاه‌ها و اقدام‌های وی در نقد وهابیان و نگرش تکفیری ایشان می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: حج ابراهیمی، قبرستان بقیع، محمد بن ابراهیم الظواهری، وهابیت، وحدت اسلامی

بیان مسئله

مقاله حاضر با تحلیل خاطرات شیخ محمد الاحمدی الظواهری از سفرش به حجاز برای شرکت در کنگره حج سال ۱۳۴۴ قمری در مکه مکرمه، به حمایت شجاعانه وی از پیشنهاد بازسازی بقیع زیر نظر هیئتی از علمای اهل سنت و شیعه و نگرش او در شیوه اداره حج ابراهیمی اختصاص دارد. نظرهای وی از چند لحاظ اهمیت بسیار دارند:

۱. به عنوان یکی از اولین علمای الأزهر است که در جلسات کنگره حج مذکور، که به ریاست عبدالعزیز آل سعود برگزار شد، اقدامات وهابیان در تحدید آزادی‌های مذهبی حاجیان را محکوم و مشروعیت تخریب بنای قبور بزرگان اسلام در سرزمین وحی را زیر سؤال برد.

۲. در جلسه پایانی کنگره حج از طرح پیشنهادی هیئت اعزامی مسلمانان هند به ریاست مولانا شوکت علی (م ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۹ م)، از رهبران مسلمان هند (جنبش خلافت هند)، مبنی بر ضرورت بازسازی قبور بزرگان اسلام نظیر قبرستان بقیع در چارچوب تعامل علمای فریقین قاطعانه حمایت کرد. با توجه به دیگر وقایع آن دوران نظیر اتفاق نظر شیعه و اهل سنت در محکومیت اقدامات وهابیان که در جریان تظاهرات شهر بمبئی هند (۴ سپتامبر ۱۹۲۵ م) آشکار شد می‌توان نیمه دوم دهه ۱۹۲۰ میلادی را به عنوان یکی از ادوار تاریخی تقریب مذاهب اسلامی با

شاخص مطالبه حفظ و بازسازی ابنیه و قبه‌های قبرستان بقیع و اماکن متبرکه در حجاز ممتاز کرد.

۳. او به عنوان یکی از عالمان شناخته شده الأزهر بر رعایت آزادی مذهبی مسلمانان و اجتناب از عقاید و اعمال افراطی و تکفیری وهابیان، خصوصاً در اداره حج ابراهیمی، تأکید کرده است.

با توجه به اینکه تاکنون دیدگاه‌های وی در نقد وهابیان، خصوصاً در ایران، مهجور مانده است، ابتدا زندگی و زمانه شیخ الظواهری بیان و سپس دیدگاه‌های وی درباره اداره حج و به طور خاص، حفظ مزارهای اسلامی حجاز تحلیل می‌شوند.

زندگی و زمانه شیخ محمد الظواهری

شیخ محمد بن ابراهیم الاحمدی الظواهری در سال ۱۲۹۵ قمری (۱۸۸۷م) در روستای «کفر الظواهری» در استان شرقی مصر دیده به جهان گشود. پدرش از عالمان معروف الأزهر بود.^۱ عمده تحصیلاتش در جامع الأزهر گذشت و در همان جا بود که متأثر از اندیشه اصلاح خواه استادش، شیخ محمد عبده (م ۱۳۲۳ق) شد. این موضوع در کتابش با عنوان العلم والعلماء و نظام التعليم (تألیف سال ۱۳۲۲ق) متبلور است. او در آن کتاب الأزهر را به اصلاح ساختار دانشگاه، منابع درسی و تحوّل در شیوه‌های آموزشی آن دعوت می‌کند.

الظواهری در سال ۱۹۱۴ میلادی شیخ جامع الاحمدی در طنطا شد و مجله‌ای

۱. مطابق اعلامیه رسمی الأزهر ایمن الظواهری (م ۲۰۲۲م) رهبر وقت القاعده، نسبتی با شیخ الاحمدی الظواهری ندارد و صرفاً تشابه نام دارند. (ر.ک: الوطن (۴ أغسطس ۲۰۲۲) مرصد الأزهر يُکذّب مزاعم نسب «الظواهری» إلى أحد كبار الأئمة: «ادعاء».)

(www.elwatannews.com/news/details/6231790)

را به نام «معهد طنطا» منتشر کرد. از همین جا می توان ریشه تقابل اندیشه و عقیده الظواهری را با وهابیت دریافت؛ چرا که برگزاری جشن «مولد النبی ﷺ» از مراسم مذهبی بزرگ مردم مصر در جامع احمدی) از دیرباز با تکفیر وهابیان مواجه بوده است. (عبدالرحمان بن حسن، ۱۴۳۵ق، صص ۱۴۲، ۲۱۱ و ۳۰۰) او در آنجا با جمع آوری نسخ خطی پراکنده در برخی مساجد مصر کتابخانه مسجد الأحمدی را در مسجد السید البداوی بنیان نهاد. در سال ۱۹۲۳ میلادی شیخ بنیاد اسیوط و در میانه سال های ۱۳۴۹ق (۱۹۲۹م) تا ۱۳۵۴ قمری (۱۹۳۵م) سی و سومین شیخ جامع الأزهر شد؛ هرچند رویکرد اصلاحی او در الأزهر با مقاومت برخی منتقدان همراه و سرانجام ناچار به استعفا شد. (الخفاجی، ۱۴۳۲ق، ج ۲، صص ۳۷۶؛ الطعمی، ۱۴۱۲ق، صص ۱۰۶؛ الساعدی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، صص ۹۶-۹۴؛ جامع الأزهر، ۱۹۶۴م، صص ۶۰-۵۹؛ برانر، ۲۰۱۵م، صص ۱۶۵؛ صعیدی، ۱۹۴۳م، صص ۱۱۹ و ۱۲۸)

دوران الظواهری دوران افول و اضمحلال خلافت عثمانی بود و او از اندیشه اعاده خلافت با مرکزیت قاهره حمایت می کرد؛ از این رو در سال ۱۳۴۵ق (۱۹۲۶م) کنگره ای را در قاهره برگزار کرد که حاصلی در بر نداشت. از علل ناکامی آن می توان به ناتوانی مفرط نظام پادشاهی مصر و تفرقه و تضاد میان هیئت های اسلامی اشاره کرد. (جريدة الشوری، ۹ شوال ۱۳۴۴، صص ۲؛ الساعدی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، صص ۹۵-۹۴)

الظواهری در همان سال با دعوت رسمی عبدالعزیز آل سعود (م ۱۳۷۳ق) برای شرکت هیئت مصری در کنگره اسلامی، در رأس هیئت مصری وارد حجاز شد و تلاش زیادی برای آزادی عمل پیروان مذاهب اسلامی در سرزمین وحی انجام داد. خاطرات ارزشمند الظواهری از آن سفر در بخشی از کتاب *السیاسة والأزهر من مذکرات شیخ الاسلام الظواهری* برگرفته از او را که به جای مانده از وی را فرزندش

(دکتر فخرالدین الاحمدی الظواهری) تنظیم و منتشر کرده است. فخرالدین الظواهری در مقدمه آن کتاب تأکید دارد که پدرش در اواخر حیات تصمیم به نگارش کتاب خاطراتش داشت، ولی به دلیل بیماری فرصت مقتضی نصیب وی نشد و خاطرات مکتوب یا شفاهی به جا مانده از وی با اجازه و رضایت وی در قالب کتاب مذکور تنظیم شدند. (الاحمدی الظواهری، ۱۹۴۵م، ص ۹ و ۱۶) از دیگر آثار او عبارتند از:

۱. العلم والعلماء

۲. رسالة الأخلاق الكبرى

۳. خواص المعقولات فی أول المنطق و سائر العقليات

۴. الوصايا والآداب

۵. صفوة الأساليب

۶. حکم الحکماء

۷. براءة الإسلام من أوهام العوام

لازم به ذکر است که ناصر السعید (زاده شده در سال ۱۴۰۰ ق / ۱۹۷۹م)، که از مخالفان سرشناس حکومت آل سعود بود، دو رساله را با نام‌های «یهوداً لا حنابله» و «یهوداً فی جزیرة العرب» به عنوان بخشی از کتاب *السیاسة والأزهر معرفی* کرده است (السعید، ۱۹۸۰م، ج ۱، ص ۱۰۳۳) که آن دو رساله در نسخه چاپی آن کتاب (۱۹۴۵م) یافت نشد و انتساب آنها به شیخ الظواهری نیازمند احتیاط علمی و تحقیق بیشتری است.

شیخ الظواهری سرانجام در ۲۰ جمادی الاولی سال ۱۳۶۳ ق (۱۹۴۴م) از دنیا رفت.

وضعیت حجاز از دید شیخ الظواهری

شیخ الظواهری دو بار حج به جا آورد. بار اول به سال ۱۳۴۴ ق (۱۹۲۶ م) و در جریان برگزاری کنگره اسلامی در مکه مکرمه بود که ریاست هیئت مصری را به نمایندگی از دولت ملک فؤاد اول (م ۱۹۳۶ م) برعهده داشت. در آن کنگره هیئتی از هند به ریاست مولانا شوکت علی حضور داشت، اما به رغم دعوت عبدالعزیز آل سعود، ایران از ارسال هیئت بدان کنگره خودداری کرد و با صدور بیانیه‌ای با مضمونی تقریب‌گرا، کشورهای اسلامی را به تشکیل مجمع عمومی ملل اسلامی برای وضع مقررات و نظامات اداره حرمین شریفین فراخواند. (سند، ش ۳۱۰/۷۳۳۱۷) در آن زمان اخوان وهابی هسته اصلی سپاه عبدالعزیز آل سعود در تصرف حجاز بودند و تلاش وسیعی برای تغییر عقیده و مذهب ساکنان آن و تخریب اماکن مقدسه در بلد الامین به عمل می‌آوردند. الظواهری در خاطرات خود گزارش عینی جالب توجهی را درباره خشونت زاید الوصف آنان ارائه کرده است.

دومین سفر حج الظواهری سفری عادی و غیررسمی به سال ۱۳۵۵ قمری (۱۹۳۷ م) بود که هرچند اشاره مستقیمی به اخوان وهابی ندارد، اما به صورت گذرا به برخی تحولات نظیر آزادی استفاده از برخی مظاهر جدید تمدن، مانند تلفن و تلگراف، در حجاز اشاره دارد (الاحمدی الظواهری، ۱۹۴۵ م، ص ۲۶۲) که با سرکوب اخوان وهابی مرتبط است؛ هرچند در موضوع هدم قبور یا تضييع آزادی‌های مذهبی حاجیان تغییر محسوسی نیافته و در خاطرات سفر دوم خویش درباره گزارش نکرده است.

الظواهری در کتاب العلم والعلماء و نظام التعليم ابتدای بحث در باب ضرورت اصلاح در آموزش علم توحید، برپرهیز از جدل و تکفیر تأکید دارد؛ زیرا رواج تکفیر منجر به تفرقه میان مسلمانان، تعرض به جان و مال و نوامیس شان و تخریب بلاد

اسلامی می شود. (الاحمدی الظواهری، ۱۹۰۴م، ص ۱۳۹) او مصادیق تکفیر را در خاطراتش از حجاز بیان کرده است؛ مانند رویکرد افراطی وهابیان در منع آزادی های مذهبی و تحریم استفاده از ابزار نوین زندگی همچون تلفن، تلگراف و راه آهن. در آن دوران وهابیان استفاده از آن ابزار را عملی شیطنی می دانستند (همان، ۱۹۴۵م، ص ۲۳۱) و مصرف کنندگان دخانیات را اولاد شیطان و «عصاة مارقون»^۱ می نامیدند. (همان، ص ۲۳۲) امین الریحانی (۱۳۵۹ق/ ۱۹۴۰م) مجازات مصرف کنندگان دخانیات در آن زمان را چهل تا هشتاد ضربه چوب گزارش کرده است. (الریحانی، ۱۹۸۷م، ص ۵۶۲؛ قزوینی، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۳۸۴) و بدیهی است برخی حاجیان تاب آن ضربات را نیاورند؛ یا معلول شدند یا بر اثر آن از دنیا رفتند. در سال های بعد نظایر چنین توصیف هایی از حجاز در گزارش منابع شیعی نیز به وفور دیده می شود.^۲

از دیگر مشاهدات شیخ الظواهری منع وهابیان از توسل به حضرت رسول الله ﷺ است که از دید وی ریشه در غلویش از حد آنها در کاربرد الفاظ بدون توجه به معانی شان، در کنار خیره سری شان در اجتهاد و کنار نهادن تقلید از پیشوایان

۱. مارق از مروق به معنای ارتداد و برگشت از دین است.

۲. آیت الله حاج میرزا خلیل کمره ای (۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م) می نویسد: «موقعی که من در صنفه مبارکه مسجدالنبی نشسته مشغول تلاوت قرآن بودم... در وسط مسجد غوغایی برخاست، شخصی را می زدند و کشان کشان تا نزدیک صُفّه رساندند. آنجایی که از غلامان سیاه حرم نشسته بود با عصایی که به منزله گُزری بود، برخاست و با آن گُرز بر پشت آن بینوا نواخت.

... پرسیدم چه شده؟ شخصی از شیوخ مصریان، کنار من مشغول تلاوت قرآن بود، وقتی مرا وحشت زده دید به من دلداری داده، گفت: ناراحت نشوید. ایرانی بوده، دُخان استعمال کرده! او را تأدیب می کنند. معلوم شد این جمعیت امر به معروف و نهی از منکرند. آن شخص مصری قاری گفت: خود را ناراحت مکن ایرانی است، دود کشیده او را تأدیب می کنند و ایرانی غیر مؤدب است! (کمره ای، پیام ایران به نجد و حجاز و مصر، ۲۲ - ۲۳)

فقهی اهل سنت دارد.^۱ او از اینکه وهابیان عبارت «یا رسول الله» را مصداق کفر می دانستند و شخص متوسل به آن حضرت را کافر می نامیدند، شدیداً انتقاد کرده است. (الاحمدی الطواهری، ۱۹۴۵م، ص ۲۳۲) حرام نامیدن قبه های برافراشته بر قبور و مساجد اسلامی نمونه دیگری از افراطی گری وهابیان است که به گزارش شیخ الطواهری، در نزد وهابیان مصداق بت پرستی و قائلان آن شایسته شکنجه و مرگ بودند. (همان، صص ۲۳۳ - ۲۳۲)

الطواهری به خوبی توجه داشت که عبدالعزیز آل سعود برای کسب قدرت از عنصر عقیده وهابیت کمال استفاده را می برد و اتهام بت پرستی در مزارها یکی از آنها بود. (همان، ص ۲۳۳) از این رو با ورود وهابیان به مکه مکرمه، دستور هدم قبه ها و الواح مزارها را صادر کرد. (همان، ص ۲۳۵) جالب توجه است که هفته نامه النبأ (ارگان رسمی سازمان تروریستی - تکفیری داعش) که بر هدم قبور بزرگان اسلام و اولیای الهی تأکید دارد، مشروعیت دینی حکومت های آل سعود را تا پیش از سرکوب اخوان وهابی، به عنوان یک الگوی عملی به رسمیت می شناسد. (النبأ، ۲۴ / ۳ / ۱۴۳۷، ۱۲ع، ص ۳)

شیخ الطواهری در تحلیل وقایع تاریخی آن روزگار، معتقد بود که علی (فرزند شریف حسین) (م ۱۳۵۳ق / ۱۹۳۵م)، که در جدّه مستقر شده بود، خود را ضعیف تر از آن می دید که به جنگ با عبدالعزیز برود؛ بنابراین با ارسال نامه هایی به برخی سران کشورهای اسلامی کوشید تا خطر عقیده وهابیت را گوش زد کند. وقتی نامه

۱. توجه شود که شیخ الطواهری هر چند متأثر از محمد عبده بود، اما اصلاح خواهی او به تهذیب کتاب ها و اصلاح روش های آموزشی محدود می شد و نه فتح باب اجتهاد. (صعیدی، تاریخ الإصلاح فی الأزهر، ص ۱۲۱) با این حال اجتهاد نزد وهابیان با آنچه اصحاب اصلاح خواه در الأزهر مطرح می کردند، مغایرت داشت و از عوامل رویکرد تکفیری شان بود.

او به ملک فؤاد (اولین پادشاه مصر) رسید، او هیئت حقیقت یابی را برای بررسی صحت و سقم موضوع به حجاز فرستاد تا هم با علی در جدّه و هم با عبدالعزیز در مکه مکرمه گفت و گو کنند. (الاحمدی الطواهری، ۱۹۴۵م، ص ۲۳۶) در آن دوران از هند نیز هیئت دیگری به بررسی موضوع تخریب اماکن مقدسه می پرداخت. (جریده الشوری، ۵ جمادی الثانیة ۱۳۴۳، ص ۳؛ جریده الشوری، ۱۸ رجب ۱۳۲۳، ص ۳ و ۴؛ مجله الشوری، ۴ ربیع الثانی ۱۳۴۴، ص ۳) هیئت مصری شامل سه تن بودند: شیخ محمد مصطفی المرافی (م ۱۳۶۴ق) (از قضات شرعی مصر)، محمد المسیری بک (رییس وقت مکتب حج در وزارت داخله مصر) و عبدالوهاب طلعت بک از رجال دربار شاهی.

شیخ المرافی، که بعدها شیخ الأزهر شد، از علمای برجسته تقریبی اهل سنت در مصر بود (قمی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۷۳) و چه بسا مشاهده افراط و تکفیر وهابیان نجدی موجب تثبیت مسیر تقریبی او شد. عبدالعزیز در دیدار با هیئت مصری بر عدم گرفتن خراج و گمرکات، رعایت آزادی های مذهبی حاجیان، عدم تخریب قبور و مزارهای بزرگان اسلام و ابنیه ای نظیر بقعه مبارک مولد النبی ﷺ^۱ تضمین داد و با قسم یاد کردن به «والله» و «بالله»، که معمولاً ورد زبانش بود، عزم راسخ خود را در این زمینه نشان می داد. (الاحمدی الطواهری، ۱۹۴۵م، صص ۲۳۷ و ۲۳۸)

با بازگشت هیئت مصری خیلی زود مشخص شد که قسم ها و وعده های ابن سعود وعده هایی توخالی بودند! قبه های مزارهای صحابه یا بنای مکان مقدس مولد النبی^۲، یکی پس از دیگری تخریب شدند. وهابیان به ضرب و شتم حاجیان

۱. مولد النبی یا خانه عبدالله بن عبدالمطلب.

۲. بنای تاریخی مولد النبی در سال ۱۳۴۳ قمری تخریب شد و در ۱۳۷۰ قمری کتابخانه ای در محل آن بنا شد.

سیگاری یا گویندگان عبارت «یا رسول الله» پرداختند. از حجاج، چه سوار بر شتر یا ماشین، حق سفر دریافت کردند و این چنین بود که حاجیان خشمگین به شهرهای خود بازگشتند و مسلمانان در سراسر بلاد اسلامی عمیقاً نگران آینده حجاز شدند. (همان، ص ۲۴۰ - ۲۳۹)

کنگره اسلامی در موسم حج ۱۳۴۴ قمری

با افزایش فشار بروهابیان، عبدالعزیز آل سعود که در آن زمان نیازمند کسب مشروعیت سیاسی و درآمدزایی از اقتصاد حج بود، ناچار به برگزاری کنگره‌ای برای اقناع افکار عمومی جهان اسلام کرد. شیخ الظواهری ریاست هیئت اعزامی مصریان را برعهده داشت. (همان، ص ۲۴۲) از اعضای آن هیئت می‌توان به محمد المسیری بک (مدیراداره حج در وزارت داخله مصر) و استاد محمدتوفیق (کنسول مصر در شهر جده) اشاره کرد.

بخش عمده‌ای از سخنرانی‌های الظواهری در آن کنگره به موضوع آزادی مذهبی حاجیان اختصاص داشت. او با گریزی تاریخی به دوران خلافت ابوجعفر منصور دوانیقی (م ۱۵۸ ق / ۷۷۵ م)، که دنبال اجبار مردمان به عمل براساس کتاب موطأ مالک بن انس (م ۱۷۹ ق / ۷۹۵ م) برآمده بود، سخن مالک به منصور را یادآور شد که گفته بود: «مبادا! مبادا! که چنین کنی که اصحاب رسول الله ﷺ در شهرهای مختلف پراکنده شدند و علم را در اقوام مختلف نهادند». آن‌گاه خطاب به برگزارکنندگان کنگره حج گفت: «بنگرید که امام مالک چه می‌گوید: او می‌خواهد مردم به دور از تکبر و خودخواهی‌ها در مذهبشان آزاد باشند». (الاحمدی الظواهری، ۱۹۴۵، صص ۲۴۴-۲۴۵)

او گزارش‌های عینی از مشاهدات خود در برخورد قساوت‌آمیز وهابیان نجدی

با حاجیان ارائه کرده است؛ مانند مردی مصری که تنها جرمش به زبان آوردن عبارت «یا رسول الله» بود. (همان، ص ۲۴۵) اینچنین بخش عمده‌ای از کوشش‌های الطواهری در کنگره حج، معطوف به دفاع از آزادی‌های مذهبی در حجاز شد. (همان، ص ۲۴۷) از خلال خاطرات الطواهری درباره جلسات کنگره اسلامی، نوعی همکاری میان منتقدان وهابیت در هیئت‌های هند و مصر مشاهده می‌شود؛ چنان‌که هیئت اعزامی مسلمانان هند با هیئت مصری در انتقاد از وضع مالیات بر حاجیان همکاری متقابل داشتند. (همان، صص ۲۴۷ - ۲۴۶)

مطالبه بازسازی قبور و پایان افراطی‌گری

در جریان سیطره وهابیان بر حجاز بسیاری از بناها و یادگاران معماری اسلامی تخریب و حرمت بسیاری از مزارهای اسلامی، خصوصاً قبرستان بقیع، شکسته شد. در روز پایانی کنگره اسلامی شیخ الطواهری از پیشنهادهای هیئت هندی در کنگره حمایت قاطعی کرد که این کار حاکی از رویکرد تقریبی وی بود. لازم به ذکر است که در چنین پیشنهادهایی، متن پیشنهاد بیانگر نظر کلیه موافقان خود است و نقش شیخ الطواهری در طرح پیشنهاد مذکور، که در سه بند زیر خلاصه می‌شود، بسیار برجسته و حاکی از توجهش به متن پیشنهاد بود:

۱. بازسازی بناهای اسلامی تخریب شده در اولین فرصت ممکن
۲. اتخاذ تدابیری برای حفظ (بنا یا الواح) قبوری که هنوز تخریب نشده‌اند.

۳. واگذاری بازسازی بنای قبوری که وهابیان ویران کردند، به هیئتی متشکل از علمای مذاهب اهل سنت و شیعه تا هیئت مذکور با بررسی موضوع، نظر نهایی خود را اعلام کند. نص این بخش از پیشنهاد عیناً چنین است: «... أن القبور التي هدمت يترك أمر إعادة بنائها إلى لجنة من علماء المذاهب السنية والشيعة، فهذه اللجنة تنظر في

ذک و یكون رأیها نهائياً...» (الاحمدی الظواهری، ۱۹۴۵م، ص ۲۴۸)

پیشنهاد هیئت هندی دارای پیش زمینه قبلی بود که به اجتماع عظیم مسلمانان اهل سنت و شیعه (امامیه و اسماعیلیه) در بمبئی به تاریخ ۴ سپتامبر ۱۹۲۵ میلادی (۱۵ صفر ۱۳۴۴ق) باز می‌گشت. در ۲۴ آگوست ۱۹۲۶ میلادی تلگرافی از بیت المقدس مخابره شد که به تخریب گنبد مزار مطهر نبوی ﷺ و قبر حضرت حمزه سیدالشهداء علیه السلام اشاره داشت و حال آنکه در آن زمان هرچند شایعه بود، اما قریب الوقوع می‌نمود. اینجا بود که شیعه و سنی در بمبئی یک صدا و متحد القول بر حفظ اماکن و بنای مقابر مقدس اسلامی تأکید کردند و این کار جلوه‌ای درخشان از وحدت شیعه و اهل سنت بود. (جریده الشوری، ۶ ربیع الاول ۱۳۴۴، ص ۴) بعدها نیز مسلمانان هند اقدامات متعددی را برای بازسازی قبه‌های قبرستان بقیع به عمل آوردند. (الحسن، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۲۵)

در آن جلسه شیخ الظواهری به عدم قرائت پیشنهاد هیئت هندی اعتراض کرد. یوسف یاسین (نماینده نجدیان) قرائت آن را مایه اختلاف می‌دانست، اما با پافشاری شیخ الظواهری پیشنهاد هیئت هندی خوانده شد. با توجه به موضع وهابیان حاضر در جلسه، به نظر می‌رسد بدون ایستادگی الظواهری، قرائت پیشنهاد مذکور میسر نبود. پس از آن شوکت علی به عنوان رئیس هیئت هندی، به شرح پیشنهاد خود پرداخت و اعضا به اجماع با آن موافقت کردند. (الاحمدی الظواهری، ۱۹۴۵م، صص ۲۴۸ - ۲۴۷) در واکنش به پیشنهاد مذکور، شیخ عبدالعزیز العتیقی،^۱ که به نمایندگی از حکومت عبدالعزیز آل سعود در کنگره شرکت داشت،

۱. شیخ عبدالعزیز بن محمد بن عبدالعزیز العتیقی، مشاور ملک عبدالعزیز آل سعود و معاون فیصل بن عبدالعزیز (حاکم وقت مکه) (م ۱۹۶۸م)

بلافاصله دخالت کرد و با انتساب بت پرستی به قبور بزرگان اسلام با تجدید بنای قبور مخالفت کرد. این ادعا بلافاصله با واکنش قاطع شیخ الظواهری مواجه شد که گفت: «معاذ الله کسی از مسلمانان بگوید که آن قبور بت هستند!» (همان، ص ۲۴۸) لازم به ذکر است که با تتبع در احادیث و سنن، دو دسته از قبور باید محو و سه دسته از قبور باید محترم شمرده شوند. علامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای آنها را چنین فهرست کرده است:

قبوری که باید هم سنگسار و هم محو شوند؛ مانند قبر ابورغال در طائف.

قبوری که تنها باید محو شوند؛ مانند قبور سران قبایل اوس و خزرج در مدینه قبل از اسلام.

قبوری که به تاسی از حضرت رسول الله ﷺ باید بر آن نشانه‌ای گذاشت تا دیده شوند؛ مانند: قبر صحابی ابن مظعون.

قبوری که باید نشان حضرت رسول الله ﷺ در آن هویدا باشد؛ چنان که آن حضرت ﷺ قبور برخی از افراد بنی هاشم را به دست خویش آب فشانی می‌کرد و کف دست مبارک را بر گل می‌نهاد تا چونان لوحی، نشان دست مبارکشان بر قبر ظاهر شود.

قبر مطهر حضرت رسول الله ﷺ (قبره الخضراء) و خاندان مطهرش (کمره‌ای، ۱۳۹۷م، صص ۳۸۸ - ۳۸۷)

برای هیئت‌های اعزامی کاملاً روشن بود که حکومت تازه تأسیس عبدالعزیز آل سعود علاقه‌ای به وضع آزادی مذهبی و بازسازی مزارهای بزرگان اسلام نداشت. فشار اخوان وهابی از دلایلی بود که حتی خود شیوخ وهابی نیز ملاحظه تندروی آن را می‌کردند؛ چنان که الظواهری در اثنای گفت‌وگویش با ابن السعود (ولیعهد ملک عبدالعزیز)

گوشه ای از افراطی‌گری نجدی‌ها را بازگو کرده است: شخصی از شیخ ابن بلهید (بزرگ عالمان نجد و قاضی القضاة) از علت منع سیگار پرسید. او پاسخ داد:

ما استعمال سیگار را از این جهت که حلال یا حرام است، منع نمی‌کنیم و می‌دانیم که حکم استعمال دخانیات مورد اختلاف علماست، ولی علت منع ما از آن روست که نجدی‌ها اگر کسی را در حال استعمال دخانیات ببینند، سرش را می‌برند، پس منعشان می‌کنیم تا ذبح نشوند! (الاحمدی الظواهری، ۱۹۴۵م، ص ۲۵۶)

جمع بندی

اهمیت خاطرات شیخ الأزهر، محمد الظواهری، در روایت بی‌واسطه ای است که از بیرون و درون جلسات کنگره اسلامی در مکه مکرمه مطرح می‌کند و خواننده را متوجه نارسایی و نادرستی روایت رسمی آل سعود از رضایت مندی مسلمانان از وهابیان و شیوه اداره آن کنگره می‌کند. در خاطرات او به چند دسته تکفیر وهابیان اشاره شده است؛ بخشی از آنها ناظر به استفاده ابزار نوین زندگی (مانند تلفن و تلگراف) یا استعمال دخانیات و برخی دیگر نیز مربوط به زیارت قبور و عقیده به شفاعت یا توسل مسلمانان می‌شود. در خاطرات شیخ الظواهری از جلسات مختلف داخل و خارج از کنگره دائماً او را در حال به چالش کشیدن عقاید وهابیان می‌یابیم که با تعامل با هیئت‌های اسلامی حاضر در کنگره، خواسته‌های خود را صریح و روشن بیان می‌کند که عبارتند از:

۱. نص شیخ الظواهری از سخن بلهید چنین است: «نحن لا نمنعه (شرب الدخان) لانه حرام ولا لانه حلال فنحن نعلم أن العلماء مختلفون فی ذلک ولکننا نمنعه لان النجدیین إذا رأوا من یشربه ذبحوه. فنحن نمنعه من شربه حتی لا یذبح...!»

- رعایت آزادی های مذهبی از سوی دولت سعودی
- ضرورت ترک عقاید و اعمال افراطی و تکفیری وهابیان در اداره حج ابراهیمی.
- بازسازی بناهای اسلامی تخریب شده در اولین فرصت ممکن.
- اتخاذ تدابیری برای حفظ (بنا یا الواح) قبوری که هنوز تخریب نشده اند.
- واگذاری بازسازی بنای قبور تخریب شده به هیئتی متشکل از علمای مذاهب سنی و شیعه تا هیئت مذکور با بررسی موضوع نظر نهایی خود را اعلام کند.
حمایت قاطع او از پیشنهاد هیئت هندی نشان از رویکرد تقریبی اش به حل مسائل و مشکلات کلان جهان اسلام از طریق اشتراک مساعی میان عالمان فریقین دارد و توجه اش را به میراث معنوی جهان اسلام متعلق به همه مسلمانان می‌رساند؛ و از این رو او از بازسازی اماکن اسلامی، نظیر قبرستان بقیع، در تعامل با عالمان فریقین حمایت می‌کند. این نظر با توجه به آنکه از حیث تاریخی سال‌ها پیش از صدور فتوای شیخ محمود شلتوت (م ۱۳۸۳ق) درباره شیعه امامیه مطرح شده است، اهمیتی افزون‌تر می‌یابد.

تحقیق و تفحص بیشتر در منابع معتبر ولی گمنامی که جلسات کنگره مذکور را بی‌واسطه روایت کرده‌اند، بی‌شک اطلاعاتمان را هم درباره تاریخ تقریب مذاهب اسلامی و هم حقایق پشت پرده تبلیغات رسمی وهابیان در اداره حج ابراهیمی ارتقا می‌بخشد.

کتاب نامه

۱. الاحمدی الطواهری، فخرالدین، (۱۹۰۴م)، العلم والعلماء ونظام التعليم، مصر، المطبعة العمومية بطنطا.
۲. -----، (۱۹۴۵م)، السياسة والازهر من مذكرات شيخ الاسلام الطواهری، مطبعة الاعتماد.

۳. برانر، راینر، (۲۰۱۵م)، التقريب بين المذاهب الاسلامية في القرن العشرين الأزهري والتشيع محاولات وتحفظات، ترجمه بتول عاصی و فاطمة زراقت، بیروت، مركز الحضارة لتنمية الفكر الاسلامی.

۴. جامع الازهر، (۱۹۶۴م)، الأزهري في اثني عشر عاماً، الدار القومية للطباعة والنشر.

۵. الحسن، حمزه، (۱۴۱۳ق)، الشيعة في المملكة العربية السعودية العهد السعودي (۱۹۱۳-۱۹۹۱م))، مؤسسة البقيع لإحياء التراث.

۶. الخفاجي، محمد عبدالمنعم، (۱۴۳۲ق)، الأزهري ألف عام، القاهرة، عالم الكتب.

۷. الريحاني، أمين، (۱۹۸۷م)، ملوك العرب؛ رحلة في البلاد العربية مزينة برسوم وخرائط و فهرست أعلام، بيروت (ط ۲)، دار الجيل.

۸. الساعدي، محمد، (۱۴۳۱ق)، موسوعة اعلام الدعوة والوحدة والإصلاح، طهران، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

۹. السعيد، ناصر، (۱۹۸۰م)، تاريخ آل سعود، لبنان، منشورات اتحاد شعب الجزيرة العربية (مطبعة الاتحاد).

۱۰. صعيدى، عبدالمتعال، (۱۹۴۳م)، تاريخ الإصلاح فى الأزهر و صفحات من الجهاد فى الإصلاح، القاهرة، مطبعة الاعتماد.

۱۱. الطعمى، محيى الدين، (۱۴۱۲ق)، نور الابهر فى طبقات شيوخ الجامع الازهر، بيروت، دار الجيل.

۱۲. عبدالرحمان بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب، (۱۴۳۵ق)، فتح المجيد فى شرح كتاب التوحيد، تحقيق محمد حامد الفقى، القاهرة، مطبعة السنة المحمدية.

۱۳. قزوينى، محمد، (۱۳۶۶ش)، مقالات قزوينى، گردآورنده جربزه دار، تهران، انتشارات اساطير، چاپ اول.

۱۴. قمى، محمدتقى، (۱۳۸۹ش)، سرگذشت تقريب، (مقدمه و ملحقات) سيدهادى خسروشاهى، ترجمه محمد مقدس، مجمع جهانى تقريب مذاهب اسلامى.

۱۵. كمره‌اى، خليل، (۱۳۸۲ق)، پیام ايران به نجد و حجاز و مصر: مبارزه رسول خدا ﷺ و ائمه معصومين عليهم السلام با غلاة، تهران، انتشارات كتابخانه شمس، چاپ اسلاميه.

۱۶. -----، (۱۳۹۷ق)، سروش مقدس وادى ايمن مكه و مدينه، تنظيم و تصحيح ناصرالدين كمره‌اى، بى نا.

۱۷. نصر اصفهانی، ابذر ۱۴۰۲ هـ ش)، مأخذ شناسی بقیع، تدوین پژوهشکده حج و زیارت، تهران، نشر مشعر.

اسناد

۱۸. سند، ش ۳۱۰/۷۳۳۱۷ (۱ تیرماه ۱۳۰۵ ش) با عنوان کلی: «اعتراض به تجاوزات و تعدیات وهابیان نسبت به بقاع بقیع: بیانیه به اهالی مملکت و عموم مسلمین»، با امضای حسن ابن یوسف رئیس الوزراء، ص ۱ سامانه منابع دیجیتال کتابخانه ملی ایران.

نشریات

۱۹. جريدة الشوری، جمادی الثانية (۱۳۴۳ق)، «الوفد الهندی الی الحجاز».
۲۰. جريدة الشوری (۱۳۴۴ق)، «مؤتمر الخلافة فی مصر».
۲۱. جريدة الشوری، يوم الخميس، ۹ شوال (۱۳۲۳ق)، «الوفد الهندی الی الحجاز».
۲۲. جريدة الشوری، ۴ ربیع الثاني (۱۳۴۴ق)، «وفد هندی للحجاز».
۲۳. جريدة الشوری، ۶ ربیع الاول (۱۳۴۴ق)، «ماذا جرى فی الهند بسبب ضرب الحرم النبوی؟».
۲۴. النبأ (وبگاه) ۱۴۳۷/۳/۲۴، «دماء الموحّدين فی جزيرة العرب.. قرابين الطواغيت لأسيادهم».
۲۵. الوطن ۴ أغسطس (۲۰۲۲م)، «مرصد الأزهر يُكذّب مزاعم نسب «الظواهری» إلى أحد كبار الأئمة عليه السلام «ادعاء».

26. www.elwatannews.com/news/details/6231790

